

گردابی چنین حائل



سیدمصطفی‌هاشمی‌طبا

در جمعی، به نقادان سیاست‌های اجرائی کشور خرده می‌گرفتند که «ز عمل کار برآید، به سخن‌دانی نیست» و می‌گفتند اگر می‌توانید گوشه‌ای از کار را بگیرید و به آن بپردازید. معروض داشتم آنان که سینه سپر می‌کنند و انتخاب یا انتصاب می‌شوند، باید آستین همت بالا بزنند؛ والا از کسی که در ۲۰ سال گذشته هیچ پیشنهاد و ارجاع کاری نداشته و نه آنکه نخواهد و نتواند، کاری ساخته نیست و تنها می‌تواند از هستی وجود خود اندکی راه نشان دهد. ولی کار بدون مسیر و نقشه مؤثر نیز نه‌تنها مفید نمی‌تواند قرار گیرد، بلکه ممکن است نتیجه عکس حاصل کند. اما اینکه اینک چه کنیم؟ «شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حائل». مرحوم هاشمی‌رفسنجانی می‌گفتند که «من همیشه به نتیجه کارها خوش بین هستم و نگرانی ندارم».

البته که خوش‌بینی و امید برای انسان نعمتی مغفتم است، اما آیا به‌تنهایی می‌تواند برای «گردابی چنین حائل» پاسخی بیابد؟ ما ابتدا باید داستان فیل و تاریکی مولانا را به خاطر بیاوریم و آن‌گاه به ایران نگاه کنیم و ببینیم وضع حال کشورمان چگونه است و چگونه می‌توانیم از این گرداب به سلامت گذر کنیم. شاید به کار بردن لفظ گرداب در این نوشته مورد خرده‌گیری قرار گیرد، اما اگر به قرارگرفتن میهن‌مان در کشاکش روابط بین‌المللی و چشمان حریص و وقیح دشمنان نیک بنگریم، گردابی که بیامون‌مان را در بر گرفته، خواهیم دید و نیز اگر به درون نگاه کنیم، تکدیگی و پراکندگی و وادادگی و شلختگی را به وضوح می‌بینیم که خود گردابی است که جسم شاور در آن را به پایین می‌کشانند. اگر فکر می‌کنیم با حرف و کلام و تبلیغ و شعر می‌توانیم این گرداب را چه درونی و چه برونی متوقف و مهار کنیم، بسی ساده‌لوحی به کار برده‌ایم. در این اندک مجال نه می‌توانیم و نه می‌خواهیم که درباره گرداب بیرون‌مرزی اندیشه کنیم که دانایی، بسی اندک و تصمیم‌گیری، بسی پرمخاطره است، اما می‌توانیم اندکی به گرداب داخلی بپردازیم؛ باشد که توشه‌ای از آن به کار آید. همه نیک می‌دانند هنگامی که توفان در صحراهای رملی می‌وزد، راکبان شتر آنها را می‌خواهند و در پناه آن خود را محاله می‌کنند تا توفان به آرامش برسد و آن‌گاه از جای برمی‌خیزند. ما درحالی‌که توفان‌های برانداز (تحریم، جنگ و توطئه دشمن) بر ما وزیدن گرفته است، به‌جای جمع‌کردن، تدبیرکردن و ذخیره‌سازی، همچنان می‌خواهیم به صورت کاذب خود را ایستاده نگه داریم و با اسراف و تبذیر و صورت سرخ از سیلی، نشان دهیم که توفان، کاره‌ای نیست و ما هستیم که ضد هرگونه ضربه‌ایم و برای آن در تبلیغ هم زیاده‌روی و اسراف می‌کنیم. تصویر ایران در بجزوه تحریم‌ها و جنگ‌ها را بارها نشان داده‌ایم، اما حکمرانی کشور نه آن را باور داشته و نه تدبیری برای آن داشته است. اشکال‌کار کجاست؟ اشکال آن است که دولت (بخوانید حکمرانی) مردم را رقیب می‌داند، نه رفیق. می‌اندیشد به هر طریقی باید رقیب را از رقیابت منصرف کند، نه آنکه رقیب را به مدد طلبد. در بجزوه کمبودهای زیربنایی که تمام فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی وابسته به آن است، روند اسراف و تبذیر همچنان در جامعه ادامه دارد، و در این وادی کویا هیچ اتفاقی نیفتاده و سال‌ها امکانات کشور به هر طریقی به تاراج رفته است. اینک نه به خاطر آنکه بگوییم این است و جز این نیست، بلکه تنها برای نشان دادن، سیاست‌هایی را که می‌تواند نه آنکه جبران گذشته کند، بلکه تعدیلی در اسراف کشور باشد، یادآوری می‌کنیم. باید باور کنیم که حتی اگر تحریم‌ها برداشته شود، حتی اگر گرداب برونی متوقف یا همراه شود، چراه‌ای جز فرار از شلختگی، اسراف، تبعیض و رانت‌خواری نداریم و قبول کنیم که سیاست‌های شبه‌لیبرالی و پولی نمی‌تواند دردی از کشور دوا کند و بیشتر باید به سیاست‌های عملیاتی و واقعی پرداخت، نه سیاست‌های کلامیف پولی و مالی، کشور بدون جلوگیری از اسراف نابود می‌شود.

۱- برخلاف آنکه وابستگان دولت می‌گویند نمی‌توان یا قاجاقلی و قاجاقچیان بنزین و گازوئیل مبارزه کرد، لزوماً باید با آن و متصدیان آن مبارزه شود. به‌جای جدول الکارتیمی بهای بنزین، سهمیه‌بندی یکسانی (درباره اتومبیل‌های شخصی) صورت گیرد، نتیجه آنکه علاوه بر جلوگیری از واردات بنزین، صادرات رسمی هم خواهیم داشت و از قبل آن سهم وسایل نقلیه عمومی افزایش می‌یابد.
۲- به‌جای آنکه مازوت با حداقل چهار درصد گوگرد را در نیروگاه‌ها بسوزانیم، برای پالایش آن و گوگردزایی سرمایه‌گذاری کنیم و گاز اکسید سولفوررو را که در مجاورت آب به اسید سولفوریک تبدیل می‌شود، به ریه‌های مردم نفرستیم و شهرها را تعطیل نکنیم.

پنجشنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۴
۲۰ جمادی الثانی ۱۴۴۷
۱۱ دسامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۷۷
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

ولادت حضرت فاطمه ^(ع) و روز زن را تبریک می‌گوییم

گزارش «شرق» از درآمد کشورهای همسایه از صنعت توریسم ورزشی به بهانه تقابل ایران با رویدادهای ورزشی توسعه محور

ماراتن مهجور



براساس گزارش‌های جهانی، بیش از ۶۷ خبرنگار در سال ۲۰۲۵ جان خود را از دست داده‌اند

مرگ در خط خبر

یادداشت

علل خشکی زاینده‌رود و راه‌های احیای آن



سیدمحمودحسینی

نیز هر منطقه به آب و میزان حقباه هر بلوک حقباه‌دار بر برنامه‌ریزی کرده بود. مطابق طومار، آب رودخانه زاینده‌رود به ۳۳ سهم اصلی و میان هفت بلوک حقباه‌دار تقسیم می‌شد. طومار شیخ بهایی بر مشارکت داوطلبانه کشاورزان حقباه‌دار و بر پایه انتخاب کشاورزان استوار بود. ارکان نظام مشارکتی طومار شیخ بهایی، عبارت بودند از:

- کشاورزان حقباه‌دار
- سروچی: نماینده منتخب کشاورزان زیر پوشش نهر فرعی
- مادی‌سالار: نماینده هر نهر اصلی موسوم به مادی، منتخب «سرجوی‌ها» [مادی به معنی نهر اصلی، برگرفته از نام قوم ماد است]
- نمایندگان بلوک: منتخب مادی‌سالارها
- میراب کل: انتخابی توسط نمایندگان بلوک‌ها برای مدت یک سال.

معرفی به دیوان حکومتی و تفیذ توسط دیوان.
نکته مهم: نمایندگان حقباه‌داران حق داشتند میراب کل را بیش از سیری‌شدن دوره یک‌ساله برکنار کنند و به‌جای او فرد دیگری را انتخاب و به دیوان معرفی کنند.

- مردان قاصد: مردان قاصد به تعداد ۲۷۸ نفر توسط کشاورزان بلوک از حدود ۷۰ سال قبل که علوم جدید و فناوری‌ها در کشور رشد و کاربرد بیشتری پیدا کرد و نظام حکمرانی ایران متمرکزتر شد، مخصوصاً از هنگامی که نظام اجتماعی مدیریت آب و کشاورزی قدیم لغو شد و به موازات آن نظام حکمرانی آب ملی (دولتی) شد، ورشکستگی آب در اکثر حوضه‌ها ازجمله حوضه زاینده‌رود کلید خورد. در شرایط جدید نظام مشارکتی و غیردولتی مدیریت آب کنار گذاشته شد. انتظار می‌رفت در این دکردیسی، نظام جایگزینی به‌جز مدیریت دولتی و وزارت آب و برق به وجود آید، اما مثل تحول تحولات اجتماعی ایران این‌گونه نشد.

عوامل بحران آب

به‌طور خلاصه عوامل بحران آب را می‌توان در سه مؤلفه تبیین کرد:
۱- توسعه نابجا؛ اینکه بدون شناخت کامل و دقیق از سرزمین و اقلیم و بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌های آب و زیست‌محیطی مکان و جغرافیا، دست به اقدامات نابجا زده شود. به تعبیر مهندس سیدمحمد بهشتی، این رویکرد را توسعه نابجا یا توسعه در تاریکی گویند (کتاب توسعه در تاریکی، انتشارات روزنه). نویسنده بر آن است که بسیاری از مهندسان و دانشمندان ما، ایران و زیست‌بوم آن را به‌جا نمی‌آورند و با سرزمین‌های دیگر مثل اروپا و آمریکای شمالی اشتباه می‌گیرند. رهاورد به‌جانیاوردن ایران و زیست‌بوم آن، توسعه نامتوازن و ناپایدار بوده است. مثال‌های زیادی می‌توان از این دست اقدامات نابجا در همین حوضه زاینده‌رود برشمرد:

- احداث صنایع سنگین آب‌بر در بالادست زاینده‌رود

فشارهای امنیتی و سیاسی آمریکا و اسرائیل، شروط فکرنره و نقش لابی لبنانی نزدیک به واشنگتن مسیرمذاکره ایران و لبنان را پیچیده‌تر کرد

نامه محتاطانه

بیروت به تهران

۲

برگزیده‌ها

گزارش میدانی «شرق» از توزیع قطره‌چکانی واکسنی که مردم تمایلی به خرید تولید داخلی نشان ندادند

واکسن آنفلوانزا کمیاب و گران

جزئیات تکان دهنده از صنعت جهانی شکار انسان برای جنگ اوکراین

تجارت مرگ در ۱۲۸ کشور

روز پایانی لیگ برتر کشتی آزاد تحت تأثیر نام یزدانی

بازگشت شیرشاه و ضربان قلب

«شرق» موضوع بازگشت نخبکان را در گفت‌وگو با مجتهدزاده و موسوی بررسی کرد

وعده‌های تکراری؛ سراب بازگشت

چگونه جنگنده اف۳۵ آمریکا به ژنوبلیتیک جهان شکل می‌دهد

فناوری و سیاست‌سازی نوین

نامه صنفی خانه سینما به ریاست قوه قضائیه

ابعاد پنهان بازداشت سینماگران اعلام شود

یادداشت

انصاف، عقلانیت و خیر عمومی خواسته ملت ماست



ترانه یلدا

معمار و شهرساز

اوایل همین هفته خانم میانسال و خوش‌فکری از اعضای گروه متین تکرامی‌مان، بسیار معتقد و متدین و در ضمن نوسنده‌ای قابل و توانا، دو عکس مربوط به مسابقه دو همگانی زنان در تهران تابستان ۱۳۷۸ و مسابقه دو ماراتن کیش همین روزها را گذاشته و زیرش نوشته بود: مقایسه این عکس‌ها نشان می‌دهد هر چقدر هم طولانی و زمان‌بر، ولی جامعه راه خودش را می‌ورود... او که مادر سه جوان برومند و موفق است و علاقه زیادی به طبیعت‌گردی و کوه‌نوردی دارد، اضافه کرده بود: «من دونده‌های زیادی را فالو می‌کنم. امروز تقریباً همگی در ماراتن کیش شرکت کرده بودند. از دیدن فیلم‌هایشان لذت می‌بردم و در خیالم، خودم را هم در پیست ماراتن تصور می‌کردم. از هرکدام نکته‌ای ورزشی می‌آموختم. فقط چند ثانیه به پوشش‌های‌شان توجه کردم. طبیعتاً همگی لباس‌های ورزشی پوشیده بر تن داشتند و بعضی‌ها با حجاب کامل سر بودند و بعضی با روسری کوتاه یا اسکارف و بعضی با موی باز. از اینکه این‌همه ورزشکار با عقیاد مختلف به یک هدف فکر می‌کنند برای کشورمان داشته باشند». به همین سادگی... به یاد یادداشت‌های قبلی خودم در همین روزنامه وزین «شرق» افتادم که چطور ماراتن‌های تهران با مبداشان در مقابل در ورزشگاه امجدیه (شهید شیرودی) و بستن درهای تهران رو به تردد خودروها را برای ترویج و تشویق دوچرخه‌سواری در مسیرهای شرقی-غربی در مرکز شهر تهران بارها تبلیغ کرده بودم. آری، تهران برند یک شهر جوان، پرنشاط و زیبا را می‌تواند در سطح جهانی برای خودش بسازد، به شرط آنکه مرتب در آن رویدادهای خوب برگزار شود و جذب ورزشکار و گردشگر کند.

<div><div>۴۳</div>ایامه در صفحه ۱۰</div>	<div><div>۴۳</div>ایامه در صفحه ۵</div>	<div><div>۴۳</div>ایامه در صفحه ۱۰</div>
---	--	---